

جامعه و فرهنگ در ایران

فرهنگ به مثابه راه‌ورسم زندگی، حوزه‌ای است که درپجه متفاوتی به جامعه پیش‌روی ما باز می‌کند. نگاه و توسعه فرهنگی می‌تواند هم هدف باشد و هم فراگرد. هدف است چراکه جامعه را قادر می‌کند تا به خلق زندگی و محیط خود بپردازد. به عبارت دیگر، فرهنگ این ظرفیت را دارد تا جامعه را در ساخت شبکه‌های اجتماعی، نهادها و نظام‌های نوین خود توانمند کند. فرهنگ فراگرد است چون این ابزار را در اختیار آحاد جامعه قرار می‌دهد تا به نقد حال بپردازند و سرچشمه‌های تغییر را شناسایی و در تغییر مشارکت کنند. از این رو، توسعه فرهنگی بخشی از توسعه عمومی جامعه و در زمره کام‌های آغازین است.

جامعه‌ای که نتواند اعضای خود را به مشارکت خلاق وادارد، نه تنها توسعه اقتصادی و فناوریانه را بدون هدف دنبال می‌کند، بلکه به همان هدف‌های از پیش تعیین‌شده خویشت نیز نمی‌رسد. فرهنگ مجموعه نشانه‌هایی است که موقعیت فرد و ملت را در درون و در سطح جهان معین می‌کند. بنابراین، نوعی موقعیت‌یابی ذهنی و عینی در فراگرد رشد و توسعه است.

یاری جستن از قدرت آفرینش و نوآوری‌های فرهنگی جهت کسب آمادگی برای روبرایی‌های جدید ضروری است. لازمه این‌کار یافتن توانایی نقد تیز و بی‌رحمانه یا بازتفسیر گذشته است. وگرنه دچار انقطاع و ازدست‌دادن همبستگی درونی خود می‌شود. از این‌رو، از منظر من انتخاب رویکرد تمدنی و تاریخی به مفهوم زندگی در حال‌وهوای گذشته نیست بلکه به مفهوم درک تحول‌های تاریخی، نقد و بازخوانی آنها، شناخت مختصات اکنون و آمادگی برای دوران جدید است.

مجموعه بحث نظری پیش‌گفته حکایت از تحلیل‌رفتن نهادهای مدنی مستقل از قدرت در ایران دارد. نهادهای سنتی بسیاری از دلیل‌های وجودی یا کارایی خود را در محیط جدید از دست داده‌اند و بسیاری از نهادهای مدرن نیز از آغاز کج آوریده شده‌اند و دچار بدکارکردی هستند. با همه این تفصیله‌ها، هنوز در گوشه‌ونگار رگه‌هایی از استقلال نهادهای قابل ردیابی است.

به‌طور واضح هنوز در بازار می‌توان برخی ظرفیت‌های استقلال‌جویی را سراغ گرفت.

به همین سباق در حوزه یا دانشگاه یا برخی نهادهای حرفه‌ای جریان استقلال نهادی زنده است. از سوی دیگر، توجه داریم که تغییرات

و اصلاح اختاری جامعه بر اثر کنش مداوم کنشگران و ساختاربابی جدید حاصل می‌شود.

بر این اساس باز می‌گردیم به اندیشه شناسایی کنشگران مستقل جامعه و توانمندسازی آنان.

در این چارچوب نظر و عمل، مفهوم کنشگری در تعریف شهروندی نهفته است. این شهروند

ذی‌حق، پرسشگر و در عین حال مسئول است که هسته جماعت‌های متشکل کنشگر را شکل می‌دهد. بنابراین، کسانی که در اندیشه اصلاح

جامعه هستند، هیچ‌گاه نباید مفهوم شهروندی و ظرفیت نهادی را که در آن نهفته است دست‌کم

ارزیابی کنند.

در حال‌وهوای این نوشتار، مسئله کانونی جامعه و فرهنگ ایران، شناسایی نهادهای مدنی مستقل از قدرت، آگاه‌سازی، شبکه‌سازی و توانمندسازی آنها در چارچوب قانون است.

نهادهای باید ظرفیت صورت‌بندی مسئله یا مسئله‌های ایران، تعیین اولویت و دستیابی

به سیاست‌های روشن جهت تغییر نظام‌های اجتماعی را داشته باشند تا مجموعه مشکل آنها در تعقیب و پیاده‌سازی آنها به عنوان

سیاست‌های اصلاحی توان کنشگری بیابد. نتیجه

این کنشگری روش‌مند و مداوم به همراه پایش مستمر می‌تواند روزه‌هایی برای اصلاح ساختار

اقتصاد و سیاست بگشاید. نهادهای مدنی باید

این ظرفیت را در خَرَد جمعی خود داشته باشند

که ایران و جامعه ایرانی را به عنوان یک پدیده

تاریخی، در لحظه کنونی از منظر ساختاری،

شبکه‌های اجتماعی، نهادی و نظام‌های اجتماعی و همچنین از منظر مطالعات و

سیاست‌گذاری فرهنگی مورد نقد و بازخوانی قرار

دهند. البته این نقد باید مبتنی بر روش و اندیشه

نقد مدرن صورت گیرد. برای آنکه تفکیکی بین

صورت‌بندی دانشگاهی مسئله و کنش اجتماعی،

کنشگرانه نهادهای مدنی وجود داشته باشد، در

حوزه کنش اجتماعی تاکید بر سیاست‌پژوهی

و سیاست‌ورزی روش‌مند و هدف‌مند جهت

تغییر و بهبود نظام‌های اجتماعی است. حال،

آنکه صورت‌بندی دانشگاهی برای فهم حقیقت

و فارغ از نتیجه است. در جمع‌بندی می‌توان

گفت، جامعه ایران در وضعیت فعلی از بحران

کنشگری مستقل رنج می‌برد. بنابراین به باور

این قلم، سیاست‌های اصلاحی و سیاست‌ورزی

مدنی در ایران باید منجر به توسعه نهادهای

مدنی کنشگر شود. امید که این تلاش روشنگرانه

بتواند به تبیین چارچوب کنشگری اجتماعی،

تقویت بنیان شهروندی و جامعه مدنی، خلق

سرمایه اجتماعی و صورت‌بندی یک رؤیای

ملی زیبا درباره ایران که ظرفیت حرکت و ایجاد

همبستگی بین نهادها و آحاد ملت را داشته

باشد، یاری رساند.

شکوفه حبیب‌زاده: گزارش اخیر وال‌استریت ژورنال درباره تلاش آمریکا برای تحریم محصولات پتروشیمی و بستن شبکه‌های مالی ایران در برخی کشورها خیرساز شد. در این گزارش به نقل از مقامات آمریکایی آمده است: «دولت آمریکا پس از تحریم نفت ایران در فکر تحریم صادرات پتروشیمی ایران به سنگاپور و صادرات کالا به افغانستان برای قطع درآمد ارزی دولت است. همچنین شبکه مالی ایالات متحده هم روی فعالیت‌های مالی در سنگاپور، مالزی، امارات متحده عربی و ارمنستان متمرکز خواهد بود». در این گزارش بر صنایع پتروشیمی به‌عنوان یکی از درآمدهای کلیدی ایران تاکید شده و نوشته است: «ایران برنامه‌ریزی کرده تا سال ۲۰۲۱، حدود ۳۶ میلیارد دلار از راه صنایع پتروشیمی درآمد داشته باشد. درآمد ایران از پتروشیمی در سال ۲۰۱۵، حدود ۱۹ میلیارد دلار بود».

در بخش دیگری از این گزارش به تلاش آمریکا برای پیداکردن شرکت‌های صوری برای ترکیه، امارات متحده عربی و عراق به‌عنوان «محلی برای معاملات مخفیانه ایران» اشاره شده و به نقل از یک منبع آگاه آمده است: «مناطق ارتباط مالی مخفی ایران در جمهوری آذربایجان، ترکیه و مالزی همه در حال بررسی هستند».

پتروشیمی صنعتی تحریم‌پذیر نیست

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که اخیرا بهزاد محمدی، معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در نشست خبری خود تاکید کرده بود تحریم صادرات پتروشیمی غیرممکن است. محمدی درباره مشتریان محصولات پتروشیمی در جهان گفته بود: پتروشیمی ۳۰ مقصد صادراتی اعم از اروپا، آسیا و کشورهای مختلف دارد و چندصد مشتری نیز در نقاط مختلف دنیا با تنوع‌های بسیار برای محصولات این صنعت هستند. از نظر ما پتروشیمی صنعتی تحریم‌پذیر نیست و تاب‌آوری بالایی دارد اما باید خودمان را برای هر اتفاق و شرایطی آماده کنیم. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفته بود: فروش محصولات پتروشیمی در مقابل فروش نفت شرایط متفاوتی دارد و مثلاً مانند نفت مبادی مشخص صادراتی و نفتکش‌های عظیم قابل ردیابی ندارد. پتروشیمی حداقل ۳۵۰ نوع محصول با صدها خردیار به ده‌ها مقصد صادراتی دارد و به همین دلیل انعطاف‌پذیری‌اش بالاست. به عبارتی صنعت پتروشیمی شرایط مختلفی در حمل و زینمی و دریایی دارد و تنوع محصول و مشتری نمی‌گذارد این صنعت تحریم‌پذیر باشد». از سویی بر اساس این گزارش، یک مقام رسمی عراق گفته واشنگتن مشغول فشارآوردن بر بغداد است تا به واردات قطعات یدکی خودرو از ایران پایان دهد. اتفاقی که البته کارشناسان می‌گویند از حدود پنج تا شش ماه پیش با آغاز تحریم‌ها شروع شد و با اینکه صادرات قطعات خودرو به عراق را با کاهش مواجه کرده اما با تغییر نمایندگی در عراق می‌توان دوباره این روند صادرات را زنده کرد.

صادرات قطعات خودرو به عراق با حذف نمایندگی

حمید حسینی، دبیرکل اتاق ایران و عراق در این زمینه به «شرق» می‌گوید: «عراق یکی از بازارهای بسیار خوب برای صنعت خودروی ایران محسوب می‌شود و به همین دلیل، قطعات یدکی بسیاری به این کشور صادر می‌کردیم. از حدود پنج تا شش ماه قبل یعنی آغاز تحریم‌ها، هم تولید داخل ایران در صنعت خودرو دچار مشکل شد و هم نماینده دو شرکت ایرانی در عراق که با یک شرکت بزرگ بین‌المللی قرارداد دارد و نتوانست قطعات خود را تأمین کند، دچار چالش شد و به‌این‌ترتیب، با کاهش صادرات قطعات خودرو به عراق مواجه شدیم. اگر ایران بتواند از بند قرارداد با آن شرکت خارجی رها شود، این‌طور نیست که نتواند محصولات و قطعات خود را به عراق صادر کند. اکنون مشکل نماینده این دو کمپانی در کشور عراق است و اگر امکان تعویض این نماینده فراهم شود، کسی جلوی ورود کالای ایران به عراق را نمی‌گیرد».

اقتصاد

آمریکا در حال بررسی مناطق ارتباط مالی مخفی ایران است

تقلای بی‌نتیجه ترامپ

صادرات محصولات پتروشیمی قابل ردیابی نیست



سال	ارزش (میلیون دلار)
۸۷	۷۵۷۹
۸۸	۷۴۱۹
۸۹	۹۶۷۴
۹۰	۱۵۰۴۲
۹۱	۱۰۰۷۲
۹۲	۱۰۸۰۶
۹۳	۱۴۲۴۱
۹۴	۱۵۲۷۳
۹۵	۱۶۵۱۹
۹۶	۱۵۱۹۴
۹۷	۱۴۱۵۰

تفاوت سازوکار درآمد‌های ارزی محصولات پتروشیمی با نفت

او که سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، نفت، گاز و پتروشیمی نیز هست، با بیان اینکه صادرات محصولات پتروشیمی برخلاف نفت و گاز در سال‌های گذشته همواره تحریم بوده است، می‌گوید: صادرات محصولات پتروشیمی تقریباً مانند صادرات نفت و گاز از معافیت‌های برجام بهره نبرده است و محصولات پتروشیمی همیشه در سال‌های گذشته از کانال غیررسمی صادر شده است و هیچ‌وقت هم از شبکه بانکی در کشورها برای نقل‌وانتقال مالی استفاده نکرده است و عمدتاً از شرکت‌های خارجی بهره برده‌اند.

اصرار مشتریان بر خرید از شرکت‌های غیررسمی

حسینی ادامه می‌دهد: با وجودی که برجام رخ داده بود، بازهم بسیاری از خریداران ترجیح می‌دادند از کانال غیررسمی با ایران کار کنند، زیرا بانک‌ها در این کشورها، آمادگی لازم را برای آنکه مشتریان ایرانی داشته باشند، نداشتند. بنابراین این افراد اصرار داشتند خریداری خود را از شرکت‌های غیررسمی انجام دهند. به همین دلیل به نظر نمی‌رسد دست آمریکا در تحریم محصولات پتروشیمی، خیلی باز باشد.

محصولات پتروشیمی غیرقابل ردیابی است

این عضو اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ادامه می‌دهد: البته دلایل دیگری نیز برای غیرقابل تحریم‌بودن صنعت پتروشیمی وجود دارد و بیان می‌کند: مایعات پتروشیمی به‌هیچ‌عنوان قابل شناسایی نیست، محصولات جامد نیز در کشورهای همسایه به اندازه کافی خریدار دارد که چندان نیازی به بازارهای جنوب شرق آسیا ندارد و صادرات آن، بسیار ساده‌تر خواهد بود.

به گفته او، روند فعلی نشان می‌دهد آمریکا نباید چندان امیدوار باشد که بتواند در این زمینه موفق عمل کند.

با این حال، او با بیان اینکه در برنامه‌های بالادستی صنعت پتروشیمی، قرار بود ایران به تولید صد میلیون تن برسد، اما این رقم اکنون روی حدود

قدرت رقابت‌پذیری برند ملی ایران

محمد رضا رستمی - **استراتژیست برندسازی ملی**

ساخت تصویری قدرتمند از کشور باشد.

۲. **صادرات:** تصویر عمومی از کیفیت محصولات و خدمات هر کشوری که سبب جلب اعتماد وفادارسازی و احترام سایر ملل به مردم کشور دیگر می‌شود؛ مثل سونی، تویوتا و... که اعتبار، شهرت، اعتماد و احترام به کشور ژاپن را در سایر ملل ایجاد می‌کند و قدرت ژاپن را به رخ می‌کشد و فرهنگ ژاپن را صادر می‌کند.

۳. **گردشگری:** گردشگران از طبقات مختلف هر کشوری هستند که به سایر مناطق سفر می‌کنند و ضمن تأثیر مستقیم بر اشتغال و اقتصاد گردشگری مقصد، توان ایجاد تحرک اقتصادی و اشتغالی در بیش از ۲۰۰ صنف دیگر را نیز دارند. مهم‌تر از این، گردشگران قدرت برجسته‌کردن و تصویرسازی مثبت از مقصد گردشگری را در کشور خودشان دارند که با هیچ روشی امکان تأثیرگذاری این چنینی در سایر کشورها وجود ندارد. گردشگران در ارتقای قدرت گردشگری و ستهای کشور مقصد نقش بسزایی دارند و به خودباوری مردمان مقصد می‌فزایند و برند ملی کشور مقصد را با خرید سوغاتی‌ها و عکاسی از مناظر و جاذبه‌های مختلف توسعه می‌دهند و باعث جذب سایر گردشگران و سرمایه‌گذاران به آن مقصد می‌شوند.

۴. **فرهنگ و تمدن:** وجه تمایز برجسته و مهمی که هر کشوری به صورت ارگانیک همراه دارد. فرهنگ و تمدن آن است که در شکل‌دادن به هویت و مزیت رقابتی کشور، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. در رقابت میان برندهای ملی جهان، هر کشوری که به فرهنگ و تمدن خود اتکا کرده، موفق به سرعت‌بخشی در یافتن جایگاه برند جهانی خود شده است. فرهنگ و تمدن از طریق نخبران ملی، آثار مکتوب، آثار هنری، آثار دستی، آثار تاریخی، میراث ناملموس و معنوی، فعالیت‌های ورزشی، هنرمندان و... می‌تواند برندسازی شده و به‌عنوان برند ملی به جهان انتقال یابد؛ به نحوی که این بخش به ارتقای منافع ملی کشور می‌انجامد.

۵. **حاکمیت** (سیاست داخلی-سیاست خارجی و...):

برداشتی که افکار عمومی داخلی و خارجی از حاکمیت

اقتصاد بدون نفت، ابتکار مصدق برای رهایی ایران از وابستگی به امپریالیسم سرمایه‌داری

پروفسور شاپور رواسانی

۵۵ میلیون تن قرار دارد، می‌گوید دلیل آنکه هنوز نتوانسته‌ایم به رقم مورد انتظار برسیم، عقب‌ماندگی سرمایه‌گذاری در این بخش است.

حسینی ادامه می‌دهد: اگر نگاهی به روند صادرات محصولات پتروشیمی در سال‌های گذشته داشته باشیم، هر سال صادرات محصولات پتروشیمی با افزایش روبه‌رو بوده است و این روند نیز به نظر نمی‌رسد متوقف شود.

به گفته او، صادرات محصولات پتروشیمی و میعانات و فراورده‌های نفتی در سال گذشته به ۱۹ میلیارد دلار رسیده بود که بالاترین رقم درآمد ارزی برای محصولات پتروشیمی به شمار می‌رفت، درحالی‌که این رقم در سنوات گذشته، حداکثر ۱۵ میلیارد دلار بود.

تقویت رابطه با کشورهای همسایه

مهدی پورقاضی عضو کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق بازرگانی که فعال عرضه پتروشیمی نیز هست، به «شرق» می‌گوید: در اینکه آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که بیش‌ازپیش تحریم‌ها را ادامه دهند، تردیدی نیست. متأسفانه مسیر به جایی رسیده که امکان مذاکره منتفی شده است. شاید یک سال پیش قبل از اینکه تحریم‌ها جدی شود، امکان مذاکره وجود داشت، اما اکنون امکان مذاکره وجود ندارد و هرچا ایران اعلام آمادگی برای مذاکره کند، یک قدم به معنای عقب‌نشینی و شکست است. این اقدام، به‌شدت اقتصاد ایران را متاثر و بسیاری از برنامه‌های توسعه و پیشرفت ایران را دچار مشکل می‌کند و معیشت مردم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

او ادامه می‌دهد: به عقیده من ایران باید در تلاش باشد تا روابط خود را با کشورهای همسایه به‌ویژه کشورهایی همچون عراق، پاکستان، افغانستان و... تقویت و رابطه خود را با کشورهایمانند کویت و قطر، نزدیک‌تر کند. پورقاضی تأکید می‌کند تحریم محصولات پتروشیمی اگر از قالب خام‌فروشی خارج شود، بسیار سخت است و ادامه می‌دهد: تحریم نفت و گاز برای آمریکا از همه موارد دیگر راحت‌تر است. یک رده پایین‌تر، محصولات خام پتروشیمی و فولاد است. اگر تلاش کنیم یک رده پایین‌تر آمده و به محصولات نهایی پتروشیمی یا فولاد برسیم، امکان تحریم آن بسیار بعید خواهد بود و قدرت چانه‌زنی ایران در مقابل آنها افزایش می‌یابد و می‌توانیم همچنان روی درآمد‌های ارز حاصل از فروش محصولات پتروشیمی و فولاد حساب باز کنیم. در غیر این صورت اگر تمرکز خود را روی نفت و محصولات خام پتروشیمی و فولاد، میعانات گازی و... بگذاریم، تحریم شرایط را برای حصول درآمد‌های ارزی سخت خواهد کرد. بر فرض اگر به جای پودر PVC، لوله و پروفیل و... PVC صادر کنیم، بسیار احتمال تحریم‌شدن آن کمتر است.

کم‌کاری بانک مرکزی در ایجاد سازوکار واردات ارز به کشور

این فعال اقتصادی از بانک مرکزی و حمایت‌نکردنش از صادرکنندگان ناراضی است و در این زمینه می‌گوید: به نظر می‌رسد بانک مرکزی در حصول درآمد‌های ارزی حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی نقش مهمی دارد، اما بانک مرکزی صرفاً به صادرکننده فشار می‌آورد که باید ارز خود را به کشور بازگرداند، اما راه آن را نشان نمی‌دهد، درحالی‌که اکنون بازگرداندن ارز حاصل از صادرات محصولات بسیار سخت شده است. با این بیان اینکه سازوکار واردات ارز به کشور برای صادرات با کم‌کاری بانک مرکزی روبه‌روست، می‌گوید: از آنجا که بیشترین صادرات ایران به عراق و افغانستان است، بانک مرکزی حداقل می‌توانست در این دو کشور، یک دفتر صرفایی یا شعبه بانکی برقرار کند تا خریداران محصولات ایرانی در عراق و افغانستان مراجعه کرده و ارز خود را ارائه داده و بانک هم در ایران به صادرکنندگان، ریال بدهد، اما چنین اقدامی هم صورت نمی‌گیرد. در حال حاضر، صرف‌فای غیرقابل اطمینان در این کشورها دینار و افغان گرفته و در ایران، ریال می‌دهند و غیرقابل ثبت است و تکلیف صادرکننده مشخص نیست.

گروه نخبران، شهروندان، جامعه دانشگاهی، فعالان اقتصادی و کارگزاران سیاسی شاخص‌ها و حوزه‌هایی که از نظر گروه‌های مخاطبان رئیس اصلی برند ملی ایران متصور می‌شوند و می‌توانند تأثیر مثبت و مؤثری بر برند ملی کشور بگذارند، در گستره شاخص‌های زیر قرار گرفته است:

- گسترندگی اثرگذاری قلمرو برند ملی در مناسبات جهانی به‌عنوان اهرم تعاملات جهانی.
- حضور همه ذی‌نفعان و مشارکت‌کنندگان جامعه ایرانی در عناصر و شاخص‌های دیگر ملی.
- نقش صادرات هدفمند به‌عنوان شناسنامه اقتصادی برند ایران.
- توجه به موانع پیشبرد و توسعه برند ملی در بخش‌های اجتماعی و فرهنگی.
- سرمایه‌گذاری خارجی.
- سیاست‌های حاکمیتی.
- گردشگری و حمایت از اقتصاد مبتنی بر توریسم به‌عنوان پیش‌رانه برند ملی.

اکنون سؤال کلیدی این است که با تصویر نامناسبی که از ایران در صحنه جهانی ساخته و تقویت‌شده است و سیاست‌گذاری داخلی-خارجی و اقدامات ناموزنی که در منازعات داخلی کشور رخ می‌دهد و فضای متشنجی را که از تصویر ایران مخابره می‌کند و خدمات و محصولات ایرانی نیز حامی و وفاداری در داخل ندارد تا چه رسد به جهان، گردشگر نیز عنصر نامطلوب شناخته می‌شود و گردشگرانی نیز ایران را عموماً نمی‌شناسند و آتیهایی که می‌شناسند، به‌عنوان کشوری ناامن و توسعه‌نیافته می‌دانند (محصول تبلیغ گسترده که از ایران در صحنه جهانی ساخته و تقویت‌شده است و سیاست‌گذاری داخلی-خارجی و اقدامات ناموزنی که در منازعات داخلی کشور رخ می‌دهد و فضای متشنجی را که از تصویر ایران مخابره می‌کند و خدمات و محصولات ایرانی نیز حامی و وفاداری در داخل ندارد تا چه رسد به جهان، گردشگر نیز عنصر نامطلوب شناخته می‌شود و گردشگرانی نیز ایران را عموماً نمی‌شناسند و آتیهایی که می‌شناسند، به‌عنوان کشوری ناامن و توسعه‌نیافته می‌دانند (محصول تبلیغ گسترده رسانه‌های جهانی)، چگونه می‌توان قدرت نرم ایران را به نفع فضای اقتصادی و اجتماعی ایران ارتقا داد؟ در پاسخ به این سؤال باید «برنامه ملی برند ایران» را تدوین کرد و همه ارکان کشور و مردم را در آن دخیل کرد و صدا و تصویر یکپارچه و قدرتمند و مؤثری از ایران صادر کرد.

یادداشت

اقتصاد بدون نفت، ابتکار مصدق برای رهایی ایران از وابستگی به امپریالیسم سرمایه‌داری

پروفسور شاپور رواسانی

● اقتصاد بدون نفت تنها راه نجات اقتصاد ایران از سلطه دولت‌های امپریالیستی بود؛ زیرا بازار، بها و راه‌های صدور نفت در اختیار این دولت‌ها قرار داشت (و قرار دارد) که می‌توانستند (و می‌توانند) با همکاری دولت‌های دست‌نشانده خود، میزان فروش

و بهای نفت در بازارهای جهانی را تعیین کنند. پس از ملی‌شدن نفت در ایران، دولت انگلستان مانع عرضه نفت ایران در بازارهای جهانی شد. برای مقابله با این اقدام و احیای اقتصاد ایران و خارج‌کردن آن از سلطه امپریالیسم، دکتر مصدق اقتصاد بدون نفت را در ایران مطرح کرد. انور خامه‌ای در بررسی علل این ابتکار دکتر مصدق که در راستای استقلال ایران انجام شد و برای پاسخ‌دادن به سؤالات و انتقادات درباره نپذیرفتن پیشنهادهای بانک بین‌المللی از طرف دولت ایران می‌نویسد: «بعد از ملی‌شدن صنعت نفت، شرکت نفت انگلیس و ایران هرچه در تمام مملکت داشت به ملت ایران تعلق گرفت و دیگر صاحب مالی نبود که بانک بین‌المللی دستگاه نفت را از طرف دولت به‌عنوان مالکیت معادن و از طرف شرکت به‌عنوان مالکیت تأسیسات نفت اداره کند و کارشناسان نفت تبعه انگلیس هم که در نتیجه خلع

ید از ایران رفته بودند برگردند و مشغول کار شوند. آیا امضای چنین قراردادی غیر از این بود که قانون ملی‌شدن صنعت نفت لغو شود و بهره‌برداری از معادن گمان‌کن در دست شرکت نفت انگلیس و ایران قرار گیرد. بانک بین‌المللی که کارش بهره‌برداری از معادن نفت نبود که خود این کار را بکند. او می‌خواست همان وضعیت سابق را در آبادان برقرار کند... و بعد از انقضای مدت دو سال هم باز شرکت همان حرف‌هایی را که می‌زد، بزند. در این صورت آیا ممکن بود که دهفه دیگری صنعت نفت ملی شود خلع ید دو مدت دو سال کشمکش برای رفع اختلاف ارائه شد. این تنها پیشنهادی بود که ملی‌شدن نفت را رسماً نمی‌شناخت، درحالی‌که پیش از آن دولت انگلیس ملی‌شدن را به رسمیت شناخته بود. آیا دکتر مصدق حق نداشت چنین پیشنهادی را رد کند؟ و آیا با قبول چنین قراردادی و به کمک درآمد آن می‌شد انقلاب اجتماعی تمام‌عیاری در ایران انجام داد و استبداد ایرانی را ریشه‌کن کرد؟!... پس از رد این پیشنهاد بود که دکتر مصدق و یارانش تصمیم گرفتند «اقتصاد بدون نفت» را پی‌ریزی کنند. این کار در آغاز بسیار دشوار به نظر می‌رسید و بعضی از رهبران نهضت آن را عملی نمی‌شمردند و دیگران خود را برای سال‌های سخت و دشوار و تحمل ریاضت آماده کرده بودند. حتی شخص دکتر مصدق با آنکه می‌دانست وابستگی اقتصاد ایران به درآمد نفت، سابقه‌ای طولانی دارد و تنها از زمان جنگ جهانی دوم برای تأمین کسری روزافزون بودجه دولت نخست‌مورد استفاده قرار گرفته و سپس به‌تدریج به تکیه‌گاه عمده آن مبدل شده است، باز به دشواری آن آگاه بود. با وجود این، چون دو راه بیشتر پیش‌روی آنها قرار نداشت، با باید تسلیم دشمن می‌شدند و به بازگشت شرکت نفت انگلیس به نحوی از انحا و ازبین‌رفتن خلع ید و تسلط ایران بر منابع نفت خویش تن می‌دادند. با دامن همت به کمر می‌زدند و کمبودها و ریاضت‌های ناشی از چشم‌پوشی از درآمد نفت را تحمل می‌کردند، بدیهی است شق دوم را ترجیح دادند و به پی‌ریزی اقتصاد بدون نفت همت گماشتند.» «در همین فرایند، شخص دکتر مصدق در جلسه‌ای با فراکسیون نهضت ملی ۱۳۳۱/۱۲/۲۶ می‌گوید: با تصمیماتی که دولت برای جبران کمبود درآمد حاصله از نفت گرفته است، ترتیبی اتخاذ شد که بودجه مملکت از درآمد نفت بی‌نیاز باشد و با فعالیتی که برای صدور دخانیات به خارج از کشور و همچنین صدور پنبه به عمل آمده است، کسری بودجه جبران خواهد شد؛ متضافاً اینکه برای جلوگیری از قاچاق نیز اقدامات لازم مبذل شده است و با این ترتیب درآمد حاصله از نفت هرچه باشد، اختصاص به کارهای تولیدی دارد و هیچ‌گونه ارتباطی با بودجه کشور نخواهد داشت. دکتر مصدق معتقد بود ایران باید دارای اقتصادی بدون نفت باشد و حالت تک‌محصولی کشور‌های تحت سلطه امپریالیسم که مانند ایران نفت، مصر فقط پنبه، فرم فقط شکر، برزیل فقط قهوه، سیلان فقط چای و آرژانتین فقط گوشت را نداشته باشد. طرح تز «اقتصاد بدون نفت» در ایران بر اساس اجرای طرح اتکا به سایر درآمدها و صرف پول نفت در راه تأمین عمران و آبادی پی‌ریزی شده بود.» منابع اقتصاد بدون نفت: ۱- خامه‌ای، انور؛ اقتصاد بدون نفت، ابتکار بزرگ دکتر مصدق، تهران ۱۳۵۷، ص۱۹۴ - ۲. افراسیابی، بهرام؛ خاطرات مبارزات دکتر حسین فاطمی، تهران ۱۳۳۶، ن. ۲۱۱، ن. ک: روحانی، فؤاد؛ تاریخ ملی‌شدن صنعت نفت ایران، تهران ۱۳۵۲ - ۳. مؤمن، فرشاد؛ نقش تربیزی، بهرام، اقتصاد ایران در دوران دولت ملی، تهران ۱۳۹۴.